



شناسایی و سنخ‌بندی زمینه فرهنگی-اجتماعی توسعه ملت‌ها با تأکید بر دیدگاه نهج البلاغه

علی حسین‌زاده^۱، ستار صادقی ده چشمه^۲، لایلا زارعی شهامت^{۳*}

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۰۷

چکیده

توسعه، چکیده معرفت، دانش و اخلاق بشری است که در فرایند تاریخی خود را نمایان می‌سازد. توسعه، امری، کیفی است که حاکی از وضعیت نشاط اجتماعی، رفاه، عدالت اجتماعی و وضعیت سرمایه اجتماعی یک جامعه است. یکی از زمینه‌های اساسی توسعه، توجه به مبانی دینی و معرفتی موجود در آن جامعه است. بر این اساس، هدف اصلی پژوهش، شناسایی و سنخ‌بندی زمینه فرهنگی-اجتماعی توسعه ملت‌ها با تأکید بر دیدگاه نهج البلاغه است. روش مورد بررسی در این پژوهش، متکی بر روش نظری یعنی مطالعات کتابخانه‌ای، رویدادهای تاریخی مستند و منابع علمی می‌باشد که تحت عنوان رویکرد بنیادی دسته‌بندی می‌شوند، چون محقق در آن با استنادات تاریخی و نظری سعی در افزایش دانش نظری و جهان‌بینی خود را دارد. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که پایه اساس ماندگاری یک ملت متکی بر وضعیت توسعه اجتماعی آن جامعه است. به طوری که توسعه با هدف ترویج اخلاق، فرهنگ و دانش غنی، تمدن تعامل‌گرا، نشاط اجتماعی و شفافیت، تقویت پاسخ‌گویی و اتکا بر قوانین اجتماعی و احترام به هنجارها و آداب دینی بوده است. بر این اساس می‌توان گفت که مواردی از جمله خودباوری اجتماعی، رواج عدالت اجتماعی، تقویت اعتماد سیاسی، کاهش تفرقه و نزاع قومی، مبارزه با فساد اجتماعی، بی‌نظمی، تبعیض و توزیع برابر منابع کمیاب، شفافیت اقتصادی-سیاسی، پاسخ‌گویی و وجود حق اظهارنظر و غیره از منظر نهج البلاغه، زمینه‌های مهم و مؤثر در توسعه یک ملت به-شمار می‌روند.

کلیدواژه‌ها: امام علی(ع)، نهج البلاغه، توسعه، عدالت اجتماعی، حکم‌رانی خوب.

۱. استادیار گروه معارف دانشگاه کاشان

۲. استادیار گروه مدیریت جهانگردی دانشگاه شهرکرد

۳. دانشجوی دکتری علوم و معارف نهج البلاغه دانشگاه کاشان

* نویسنده مسئول

۱. مقدمه

توسعه^۱، به‌عنوان یک مفهوم محوری در جامعه جدید مطرح شده و از زوایای مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. دیدگاه‌ها و مفهوم توسعه در جامعه جدید برگرفته از نگاه تاریخی اندیشمندان به تحولات جوامع و تغییراتی است که بر اثر صنعتی شدن، شهری شدن، افزایش جمعیت و حاصل بهبودی وضعیت زندگی انسان‌ها در جامعه جدید است. این وضعیت در کشورهایی که ما از آن تحت عناوین مختلفی چون: توسعه‌یافته، پیشرفته و صنعتی یا عناوین دیگر یاد می‌کنیم بیشتر به چشم می‌خورد. در نتیجه این وضعیت و اثرات مطلوبی که توسعه جوامع در زندگی مردم داشته است، همه خواهان توسعه شده‌اند؛ زیرا توسعه برای آنان بسیاری از زمینه‌های رفاه و آسایش را به همراه می‌آورد. با این وجود گرچه ادبیات و پیدایش مفهوم توسعه به دوران جدید برمی‌گردد، اما مفاهیم، زمینه‌ها و دیدگاه‌هایی در متون دینی ما - به‌ویژه نهج‌البلاغه - وجود دارد که بسیار غنی و پرمعنا و کاربردی‌اند، چیزی که خلأ آن در ادبیات علوم اجتماعی و سیاسی بومی ما احساس می‌شود، اما در متون دینی ما وجود دارد. در جامعه‌شناسی از مواردی به‌عنوان پایه‌های شکل‌گیری جامعه یاد می‌شود که در نهج‌البلاغه به زیبایی هر چه تمام و به‌صورت کامل بیان شده که می‌تواند هم مبنای شکل‌گیری جامعه و هم مقوم آن در جهت پیشرفت و تکامل باشد. نوشتار حاضر در تلاش است با روش توصیفی - تحلیلی با تکیه بر دیدگاه امیرمؤمنان علی(ع) الگویی مناسب برای توسعه ملت‌ها استخراج کند. سؤالاتی که این پژوهش بدان پاسخ گوید این است که: آیا در نهج‌البلاغه به زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی توسعه ملت‌ها، توجه شده است؟ مهم‌ترین این زمینه‌ها در بعد درون دینی و برون دینی کدامند؟ زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی توسعه‌نیافتگی از چه سنخی هستند؟

۱-۱. بیان مسئله

قانون مرگ و حیات علاوه بر انسان‌ها، جوامع و دولت‌ها را نیز در برمی‌گیرد و هیچ جامعه‌ای نیست که از شمول این سنت تخلف‌ناپذیر بیرون باشد. در این میان عواملی باعث ضعف و انحطاط جوامع می‌شود و در نقطه مقابل، برخی عوامل و زمینه‌ها هستند که در حیات اجتماعی یک جامعه نقش‌آفرین بوده و در رشد و شکوفایی آن تمدن، تأثیری به سزا دارند. براین اساس، مسأله پژوهش این است که زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی توسعه ملت‌ها در دیدگاه نهج‌البلاغه کدامند؟ پرسشی که این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به آن است، این خواهد بود که چه عواملی سبب پیشرفت و انحطاط تمدن‌ها می‌شود؟ با توجه به سؤال فوق، فرضیه که به نظر می‌رسد قابل‌تأیید باشد این است که انحطاط جوامع امری تصادفی نخواهد بود بلکه براساس قانون‌مندی‌های حاکم بر جامعه و تاریخ است. البته در پیشرفت تمدن‌ها عوامل بسیاری نقش دارد؛ اما این تحقیق چشم‌اندازهای از سخنان و کلمات امیرمؤمنان علی(ع) را در مورد سنخ‌بندی زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی توسعه ملت‌ها را، مورد واکاوی قرار می‌دهد.

1. development

۱-۲. پیشینه پژوهش

یکی از اقدامات علمی مهم در طرح مباحث علمی، سنخ‌بندی یا گونه‌شناسی است. اهمیت و نقش آن به قدری است که حتی علم را بر اساس آن تعریف کرده‌اند. برای مثال بریمو^۱ علم را مجموعه‌ای از دانستنی‌های منضبطی دانسته که بر اساس تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای ترکیب یافته و دارای نوعی نظام مبتنی بر طبقه‌بندی یا سنخ‌بندی است و پدیده‌های مورد بررسی آن در دسته‌های معین و بر حسب ضوابط مشخص منظم شده است (بریمو، ۱۹۷۲: ۳۱۲). این مسأله در علوم اجتماعی به سختی انجام می‌شود هر چند ممکن است بر روی آن توافق نظری وجود نداشته باشد، اما به درک درست مسائل کمک می‌کند. بزرگان و اندیشمندان از منظرهای قابل تأملی به کتاب ارزشمند نهج البلاغه پرداخته‌اند، اما از منظر سنخ‌شناسی جوامع به لحاظ ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی توسعه، چندان توجهی نشده است. ملکی و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای، ابعاد و مؤلفه‌های توسعه فرهنگی را بر اساس مؤلفه‌های شورا انقلاب فرهنگی در نهج البلاغه بررسی کرده‌اند که در آن شاخص‌هایی چون: شاخص‌های اخلاقی، عقلانیت، عدالت، هویت، نظم اجتماعی، وحدت، انسجام و استقلال به عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌ها مورد اشاره قرار گرفته است. اسلامی نژاد در پژوهشی با عنوان: جلوه‌های جامعه آرمانی از منظر نهج البلاغه در بستر ساختار جامعه‌شناختی با استناد به فرمان امام علی (ع) به مالک، از هفت طبقه اجتماعی یاد می‌کند که مبنای امام (ع) برای این سنخ‌بندی، شغل و حرفه مردم بوده است و در آن صنف سپاهیان و مالیات‌دهندگان، جز با صنف قضات و کارگزاران دولت قوام و استوار نمی‌یابد (Al-shia.info/tags). سعادت‌پناه و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان نقش عدالت در توسعه تمدن اسلامی از منظر قرآن و نهج البلاغه، شاخص عدالت‌گستری را به عنوان یک موضوع محوری مطرح کرده و پس از بیان آن اشاره نموده است که تمام دستورات الهی برای انسان عادلانه و بر محور عدل در جامعه است. ملاحظه می‌شود که در پژوهش‌های فوق به برخی عوامل مورد نظر به صورت جسته گریخته پرداخته شده و به زمینه‌های توسعه‌ای جامعه از دید درون دینی و برون دینی پرداخته نشده است که در این مقاله سعی شده است از این جنبه به موضوع بپردازد. که براساس آن می‌توان، معرف‌های اساسی برای طرح الگویی برای جامعه دینی خود ارائه داد.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

با وجود تحقیقاتی که انجام گرفته است ضرورت بحث و واکاوی مهم‌ترین عناصر مؤثر در توسعه ملت‌ها از یک و از سوی دیگر چون به صورت جامع و کامل به همه ابعاد در کتاب شریف نهج البلاغه پرداخته نشده است. لذا نگارنده بر آن شد که با روش تحلیلی- توصیفی به بازنگری در مورد شناسایی و سنخ‌بندی زمینه‌های فرهنگی- اجتماعی توسعه ملت‌ها با تأکید بر دیدگاه امام علی (ع) در کتاب شریف نهج البلاغه

1. Brimo, A.

پیردازد. این تحقیق شامل دیدگاه‌های نظری توسعه، سنخ‌شناسی زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی توسعه و سنخ‌بندی اجتماعی موانع توسعه ملت‌ها است.

۲. بحث

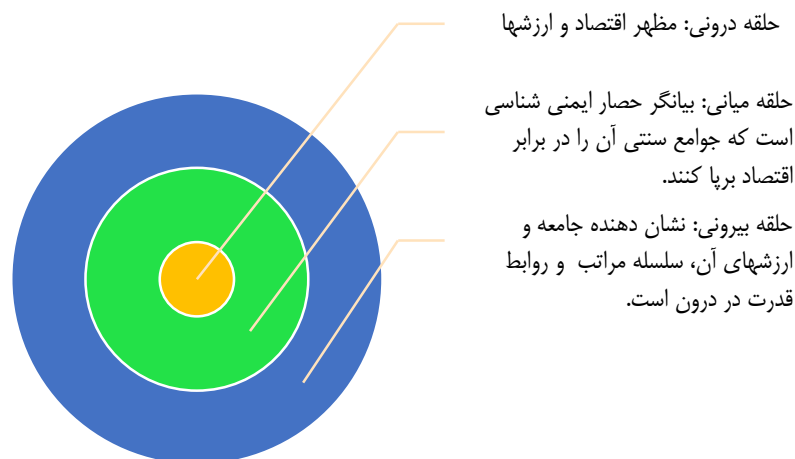
۲-۱. دیدگاه‌های نظری توسعه

«توسعه به معنای، افزایش توانمندی اجتماعی، افزایش تولید و رسیدن به سطحی از رفاه است» (ازکیا، ۱۳۸۴: ۱۳۶). «از دیدگاه رستو، توسعه از مسیر پنج‌گانه غرب عبور می‌کند و یکی از علل اصلی توسعه، توجه به کشاورزی و افزایش پس‌انداز است» (زاهدی، ۱۳۹۰: ۳۶۲). توسعه و گریز جامعه از وابستگی اجتماعی، الزامات و تحرک طبقات اجتماعی، رشد و حل مسأله بیکاری و اشتغال آفرینی، رجوع دوباره به مسأله فرهنگی در جامعه را ضروری‌تر می‌سازد. به تعبیری سازنده اصلی جامعه و نگه‌داشت نظم، قانون، اخلاق، صداقت، انصاف، مروت، زنده‌دلی، طراوت و نشاط، توجه به نیروی اجتماعی و فرهنگی است. بر این اساس متفکرین جامعه‌شناسی بر این باور هستند که توسعه یک جامعه، خصلت اجتناب‌ناپذیر جوامع انسانی است. در توسعه و تحقق آن، عوامل انسانی، اجتماعی و توجه به بسترهای اعتقادی و فرهنگی آن جامعه مؤثر بوده‌است؛ به عبارتی تعالی یک جامعه و استقلال اقتصادی آن، مستقیم از کنش‌گران خلاق و کارآفرین و پایبند به قوانین آن اجتماع تأثیر می‌پذیرد. به تعبیر «گیدنز» خاستگاه جامعه‌شناسی امروزین را می‌توان در کوشش برای درک تغییرات چشمگیری که جهان سنتی را در هم نوردیده و به ایجاد شکل‌های جدید نظم اجتماعی کمک رسانده، جستجو کرد (غفاری و ابراهیمی لویه، ۱۳۹۱: ۳-۲). از طرفی تحولات اجتماعی و سقوط آن‌ها تابعی از ارزش‌ها، هنجارها و سنت‌های اجتماعی بوده‌است. وقتی جوامعی از داشته‌ها و سرمایه‌های اجتماعی- فرهنگی خود در فرایند تعالی اقتصادی محافظت نمایند، به‌مثابه ماکس وبر-جامعه‌شناس آلمانی- روبنا (فرهنگ، اخلاق، منش، صداقت، راستگویی، فضیلت و جهاد) را بر زیربنا (نیاز غریزی، خوراک، پوشاک، پول‌پرستی و حرص مالی) ترجیح دهند، در برابر هرگونه تغییرات و تحولات بیرونی و داخلی، سالم و مقاوم می‌ماند. این ارزش‌هاست که پویایی و زنده ماندن یک اجتماع را تعیین کرده و بر تقویت و تعالی آن می‌افزاید. پس ارزش‌ها و باروهای دینی و اجتماعی، غرایز بشر را در جهت صحیح هدایت و خواسته‌ها و تمایلات او را اصلاح کرده و انسان‌هایی برای جامعه تربیت می‌کند که قادر به بالندگی جامعه‌شان باشند. تربیت دینی و شکوفا کردن قوای انسان به‌طور متعادل، هماهنگ و در چارچوب ارزش‌های الهی است.

در اینجا به برخی از مهم‌ترین دیدگاه‌های مرتبط، اشاره می‌شود:

۱-۱-۲. نظریه عبور از بحران

«دیویس» نظریه پرداز نوسازی، تئوری پرش از موانع را مطرح کرد. از نظر وی جوامعی که موفق به عبور از موانع توسعه شدند، می‌توانند وارد مرحله جدید و متجدد شوند. وی موانع توسعه (انحطاط) جوامع را به سه دسته: ۱- موانع اقتصادی (اسراف‌گری، تبذیر، مصرف‌گرایی، فقدان تمایل به کارآفرینی و سرمایه‌گذاری، تولید برای مصرف)؛ ۲- موانع اجتماعی و سیاسی (شکاف مدنی، عدم حاکمیت حکمرانی خوب، نبود شفافیت، فقدان مشارکت سیاسی، حکومت سلطنتی، استبدادی، قبیله‌ای، فساد، خویشاوندگرایی و رابطه-گرایی) و ۳- موانع روان‌شناختی (روحیه قدرگرایی، فردگرایی، خاص‌گرایی، تعصب و ریاضت‌گرایی) می‌داند (سو، ۱۳۹۲: ۸۹). از نظر وی عقلانیت، خردگرایی، تسامح، عام‌گرایی و وظیفه‌شناسی عامل رشد جامعه است (همان).



به این ترتیب، موانع اقتصادی، جزء موانعی هستند که قبل از همه جامعه را از حرکت به سمت پذیرش نوآوری و رشد، باز می‌دارند و تا این موانع، در یک جامعه‌ای، برطرف نشود، نمی‌توان سراغ برون‌رفت از موانع دیگر رفت. به‌زعم دیویس، سبک زندگی یک ملت رابطه معناداری با رشد اقتصادی آن دارد. ملتی که تولید را نه برای پس‌انداز و کارآفرینی و بلکه برای مصرف فعلی خود برساند، سیر قهقرایی و واپس‌گرایی اقتصادی- فرهنگی را تجربه خواهد کرد. پس عزت‌نفس، اعتماد ملی و سرمایه معنوی آن جامعه دچار تخریب شده و مردمانش خودباخته خواهند شد. مواجهه یک ملت با این تراژدی، دست‌درازی و قرض گرفتن از جوامع بیرونی است که ناخواسته به سمت وابستگی و فروپاشی می‌گریند. نزاع‌های قومی و پریشان حالی آن جامعه، مردمانش را از لحاظ روانی به عنصری بی‌هویت و خودباخته تبدیل نموده و پس‌لرزه‌های این انزوای اجتماعی و افسردگی اقتصادی، آن‌ها را به جامعه‌ای هیجانی-حساسی و بیگانه از فرهنگ و ارزش خود دچار خواهد نمود.

۲-۱-۲. سرمایه و اعتماد اجتماعی^۱

از نظر «پاتنام» اعتماد یکی از عناصر ضروری است و یک عنصر غیر اختیاری و ناآگاهانه نیست. «پارسونز» اعتماد را عامل ایجاد اتحاد، انسجام اجتماعی، ثبات و نظم دانسته و همچنین «جانسون» اعتماد را برای رشد ترقی جامعه ضروری می‌داند (بابایی، ۱۳۸۲: ۱۲). عوامل سقوط جامعه از نگاه منابع دینی و قرآنی زمانی تسریع می‌شود که سطح اعتماد اجتماعی از میان برود و جامعه با فروپاشی سرمایه اجتماعی مواجه گردد. سرمایه اجتماعی به منزله تسبیحی مستحکم نقش فعال و مهمی در گره خوردن نیازها و عواطف افراد جامعه نسبت به هم دارد. همان‌گونه که امام علی(ع) یکی از علل اضمحلال جامعه را بدگمانی یا بی‌اعتمادی بیان می‌کند. جامعه‌ای که در آن فردیت حاکمیت پیدا کند و جمع‌گرایی، صلح‌رحم، مراقبت از همسایه، هم‌مذهب و هم‌دین، ارزش و کارکرد خود را از دست داده‌باشد، جامعه دچار فروپاشی نظارتی یا بی‌سازمانی می‌گردد. زمانی بی‌سازمانی اجتماعی ظهور می‌یابد که قوانین اجتماعی و قواعد و هنجار و سنن جامعه اختلال کارکردی پیدا کرده‌باشد. در این حالت جامعه به خاطر فقدان نظارت و قواعد اخلاقی به سمت فروپاشی پیش می‌رود. اعتماد رفتار مبتنی بر همکاری را بهبود می‌بخشد؛ طرق سازگاری بین گروه را توسعه و تضادهای غیر کارکردی یا مخرب را کاهش می‌دهد (خنیفر و زورندی، ۱۳۸۹: ۲۱). از نظر «امام علی(ع)» بستر اعتماد، خوش‌گمانی است، در زمینه اعتمادآفرینی چنین می‌فرمایند که: فردی که گمان نیکو ندارد از کلیه افراد وحشت دارد (تمیمی آمدی، بی‌تا: ۶۶۰/۱) و در حدیثی دیگر چنین فرموده است که: از بدترین مردم کسی است که به دلیل بدگمانی‌اش به کسی اعتماد نمی‌کند و دیگران هم به دلیل بدگمانی او به وی اعتماد نمی‌کنند (همان: ۴۱۲).

۲-۲. مهم‌ترین عوامل پیشرفت ملت‌ها در بعد درون دینی

۲-۲-۱. قرآن محوری

از عوامل بسیار مهم در دوام و بقا حکومت اسلامی تمسک به قرآن است. حضرت (ع) در بیان ویژگی قرآن و اصحاب آن می‌فرماید: «کِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ نَاطِقٌ لَا يَعْيا لِسَانُهُ، وَ بَيَّتْ لَا تُهْدَمُ أَرْكَانُهُ، وَ عَزَّ لَا تُهْرَمُ أَعْوَانُهُ» (خطبه/۱۳۳). «کتاب خدا، قرآن، در میان شما سخن‌گویی است که هیچ‌گاه زبانش از حق‌گویی کند و خسته نشد و همواره گویاست؛ خانه‌ای است که ستون‌های آن هرگز فرو نمی‌ریزد و صاحب عزتی است که یارانش هرگز شکست ندارند» (دشتی، ۱۳۹۰: ۱۷۶). امیرالمؤمنین علی (ع) به‌طور واضح وضعیت جامعه‌ی زمان خود را در صورت جدایی از حق و حقیقت در خطبه ۱۴۷ بیان می‌فرماید: «همانا پس از من روزگاری بر شما فرا خواهد رسید که چیزی پنهان‌تر از حق و آشکارتر از باطل و فراوان‌تر از دروغ به خدا و پیامبرش نباشد. نزد مردم آن زمان کالایی زیان‌مندتر از قرآن نیست البته اگر آن را درست بخوانند و تفسیر کنند، متاعی پرسودتر از قرآن یافت نمی‌شود آن‌گاه که آن را تحریف کنند؛ و معانی دلخواه خود را رواج دهند. در شهرها چیزی ناشناخته‌تر از معروف و شناخته‌تر از منکر نیست، حاملان قرآن، آن را

1. Social capital and social trust

واگذاشته و حافظان قرآن آن را فراموش می‌کنند» (دستی، همان: ۱۹۰). همان‌طور که می‌بینیم گفتار حضرت(ع) در نکوهش کسانی که در میان امت، حکومت و فرمانروایی می‌کنند اما شایستگی آنرا ندارند و عمل به قرآن و احکام آن را که عامل ثبات و دوام دولت است را رها می‌کنند؛ و با اقلیتی که پایبند به احکام دین هستند به مخالفت برمی‌خیزند و این امر، سبب تفرقه در میان ملت می‌شود.

۲-۲-۲. پایبندی به اصول و ارزش‌ها

دوام حیات معنوی و سیاسی یک جامعه به ارزش‌های دینی و ملی پذیرفته‌شده در آن جامعه و میزان پایبندی افراد، به آن ارزش‌ها است؛ بنابراین، بهترین راه برای افزایش آمادگی جامعه در برابر ترفندها و توطئه‌های پیچیده دشمن، تلاش برای حفظ و گسترش ارزش‌ها در زندگی فردی و اجتماعی است. حضرت علی (ع) در توصیف جامعه‌ای که مقید به این اصول نیستند می‌فرماید: «أَنْكُمْ فِي زَمَانِ الْقَائِلِ فِيهِ بِالْحَقِّ قَلِيلٌ، وَ اللِّسَانُ عَنِ الصِّدْقِ كَلِيلٌ، وَ اللَّارِمُ لِلْحَقِّ ذَلِيلٌ...» (خطبه/۲۳۳). «که همانا شما در روزگاری هستید که گوینده حق اندک و زبان از راستگویی عاجز و حق‌طلبان بی‌ارزشند، مردم گرفتار گناه و به سازش‌کاری هم‌داستانند، جوانانشان بد اخلاق و پیرمردانشان گنهکار و عالیشان دو رو و نزدیکانشان سود جویند، نه خردسالانشان بزرگان را احترام می‌کنند و نه توانگرانشان دست مستمندان را می‌گیرند» (دستی، همان: ۳۳۴). طبیعی است در جامعه‌ای که از فرامین الهی، دستورات قرآن و سنت نبوی فاصله گرفته و به سمت دنیاپرستی سوق پیدا کند به تدریج هنجارها و ارزش‌های آن جامعه نیز تغییر می‌یابد و همان‌طور که امام(ع) بیان فرمودند زمینه برای ظهور افراد ناشایست فراهم خواهد شد.

۲-۲-۳. ایمان و تقوا و آثار آن

براساس آموزه‌های قرآنی پیشرفت جوامع معلول رشد علمی و عملی است، رشد علمی به ایمان و رشد عملی به عمل صالح برمی‌گردد. ایمان و عمل صالح به‌عنوان دو رکن پیشرفت در قرآن ذکر شده‌است؛ و فقدان یکی از دو عنصر از عوامل سقوط جوامع است؛ به عبارتی عمل سوء موجب سقوط است چه این فعل از شخص صالح صادر شود چه از شخص بدکار. خداوند افراد با ایمان را با روحی از جانب خویش تقویت می‌کند: ﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَ أَتَدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَ يُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (مجادله/۲۲).

آثاری که برای تقوا از خطبه صد و نود و هشت استنباط می‌شود این است - «فَمَنْ أَخَذَ بِالتَّقْوَى عَزَيْتَ عَنْهُ الشَّدَائِدُ بَعْدَ دُنُوهَا، وَ اخْلَوْلَتْ لَهُ الْأُمُورُ بَعْدَ مَرَاتِبِهَا...» که شاید و سختی‌ها که در کنار او قرار دارد از او دور و کارها پس از تلخکامی برای او شیرین و گوارا می‌گردد، امواج گرفتاری‌های پیاپی برطرف و دشواری‌های برایش آسان می‌شود و کرامت و بزرگواری پس از محرومیت از آن، همچون باران دانه درشت بر او می‌بارد، رحمت و عطوفت خداوند که از او باز گرفته شده بود شامل حال او می‌گردد و

چشمه‌های نعمت پس از فرو نشستن به جوشش در می‌آید و برکت پس از قطع شدن آن، مانند باران به فراوانی بر او بیارد.

از آثار ایمان به‌عنوان عامل پیشرفت ملتها به این موارد می‌توان اشاره کرد: رشد و شکوفایی استعدادهای مادی و معنوی، پیدایش سرمایه انسانی موفق و فعال در رویارویی با دشمنان داخلی و خارجی، وجود جامعه‌ی سرنوشت‌ساز با اعتماد به نفس بالا چون با استعانت از امداد غیبی پیش می‌رود و از هیچ مانعی نمی‌ترسد.

۲-۲-۴. جهاد در راه خدا

از عوامل پیشرفت جوامع، تلاش، کوشش و جهاد در راه خدا است «وَلَا يَذُرُّكَ الْحَقُّ إِلَّا بِالْحَدِّ» (خطبه/۲۹). تلاش نفی‌کننده شانس، تصادف و اتفاق است. قرآن در این مورد می‌فرماید: «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم/۳۹). عمل صالح مورد نظر قرآن بدون تلاش و جهاد محقق نمی‌شود: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت/۶۹)؛ آیات جهاد مقید به «فی سبیل الله» است و ارزش جهاد با دشمنان اسلام با مال و جان و آبرو و... مشروط به راه خدا است؛ تا کسی هدف از جنگ و جهاد را کشورگشایی یا حرص، طمع، کسب قدرت، ثروت و... تصور نکند. حضرت علی(ع) می‌فرماید: در صورت ترک جهاد و انجام وظیفه خداوند دولت را از میان شما خواهد برد و در دست دیگران قرار خواهد داد: «وَاللَّهِ لَتَفْعَلَنَّ أَوْ لَيُنْقَلَنَّ اللَّهُ عَنْكُمْ سُلْطَانَ الْإِسْلَامِ، ثُمَّ لَا يَنْقُلُهُ إِلَيْكُمْ أَبَدًا حَتَّى يَأْرَزَ الْأَمْرَ إِلَيَّ غَيْرِكُمْ» (خطبه/۱۶۹).

۲-۲-۵. امر به معروف و نهی از منکر

از عوامل بسیار مهم در سلامت جامعه و جلوگیری از فساد و تباهی احساس مسئولیت برای آحاد جامعه به‌گونه‌ای که همه در برابر انحرافات مسؤول باشند «الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه/۷۱)؛ که این همان روحیه امر به معروف و نهی از منکر است؛ یعنی افراد به حدی برسند که احساس مسئولیت کنند و این برخاسته از ایمان و یک اعتقاد قلبی و جمعی است که از درون خانواده شروع می‌شود تا اجتماع را در بر می‌گیرد. البته این احساس مسؤولیت تنها عامل بازدارندگی از فساد و فحشا نیست، بلکه جنبه اصلاح و سازندگی دارد «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده/۳۲)؛ جنبه مثبت امر به معروف، احیا یک انسان برابر با احیاء جامعه است البته منظور کشتن و احیاء، جسم نیست، بلکه منظور احیاء درونی و هدایت است. مبارزه پی‌درپی با فساد اجتماعی و کوشش در راه اصلاح جامعه یک سنت است اگر سنت جلوگیری از فساد به صورت قانون الهی باشد رشد را در دیگر زوایا نشان می‌دهد: «أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ، إِنَّهُ مَنْ رَأَى عُذْوَانًا يَعْمَلُ بِهِ وَ مَنُكْرًا يُدْعَى إِلَيْهِ، فَانْكُرْهُ بِقَلْبِهِ فَقَدْ سَلِمَ وَ بَرِيءٌ؛ وَ مَنْ أَنْكَرَهُ بِلِسَانِهِ فَقَدْ أُجِرَ، وَ هُوَ أَفْضَلُ مِنْ صَاحِبِهِ...» (حکمت/۳۷۳). «ای مؤمنان هر کس تجاوزی را بنگرد و شاهد دعوت به منکری باشد و در دل آن را انکار کند خود را از آلودگی سالم داشته‌است و هر کس با زبان آن را انکار کند پاداش آن داده خواهد شد و از اولی برتر است و آن کس که با شمشیر به انکار برخیزد تا کلام خدا بلند و گفتار ستمگران پست گردد، او راه رستگاری را یافته و نور یقین در دلش تابیده است» (دستی، همان: ۵۱۴). انکار عمل

زشت بر هر مکلفی در حد توان لازم است و پایین‌ترین مرتبه آن انکار قلب و بالاترین مرحله آن انکار با دست است اما علت این که امیرمؤمنان علی(ع) برای انکار قلبی پاداشی ذکر نکرده است چون هدف نهی از منکر برطرف ساختن آن است و در انکار قلبی اثری برای از بین بردن منکر نیست گویی که کاری که باعث اجر باشد انجام نداده است.

۲-۲-۶. اتحاد و انسجام

امام علی(ع) در خطبه ۱۲۷ به دو عامل اصلی برای بقا و زوال یک ملت اشاره می‌فرماید یکی از آن موارد اتحاد و وحدت و دیگر افتراق و اختلاف است. همچنان که وحدت عامل دوام حکومت است «وَأَزْمُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ» همواره با بزرگ‌ترین جمعیت‌ها باشید که دست خدا با جماعت است. تفرقه عامل نابودی و انقراض امت است «وَإِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ! فَإِنَّ الشَّادَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ، كَمَا أَنَّ الشَّادَّ مِنَ الْعَنَمِ لِلذَّبِّ» از پراکندگی بپرهیزید، که انسان تنها، بهره شیطان است آن‌گونه که گوسفند تنها، طعمه گرگ خواهد بود.

این همان عاملی است که ستون فقرات جامعه را در هم می‌شکند و جنگ داخلی را در پی خواهد داشت. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «لا تختلفوا، فإن من كان قبلكم اختلفوا فهلكوا» (متقی، ۱۴۱۹: ح ۱، ۱۷۷/۸۹۴). یعنی اختلاف نکنید، آنان که قبل از شما بودند اختلاف کردند و هلاک شدند. در پایان خداوند لباس کرامت و بزرگی را از تنشان در می‌آورد و نعمت‌های فراوانی را که داده بود (از جمله امارت و حکومت را) از آنان می‌گیرد: «و تَفَرَّقُوا مُتَحَارِبِينَ، وَ قَدْ خَلَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ لِبَاسَ كَرَامَتِهِ، وَ سَلَبَهُمْ غَضَارَةَ نِعْمَتِهِ» (خطبه/۱۹۲)، اما آن‌گاه که قلب‌ها و زبان‌ها و دست‌ها با هر گرایش سیاسی و حزبی با هم یکی شود می‌توان انتظار داشت که در آن جامعه تحولات بنیادین پدید آید. به عبارتی دیگر تلاش در جهت وحدت کلمه و جلب مشارکت عمومی از اموری است که در تعالی یک جامعه بسیار مهم است. و لکن از آفات خطرناک جامعه‌ی بشریت تمامیت طلبی و دوری از وحدت و مشارکت عمومی است (حلیمی جلودار، ۱۳۹۳: ۸).

۲-۲-۷. اطاعت از رهبر صالح

ویژگی دیگری که باعث پیشرفت جوامع می‌شود اطاعت از رهبر است که این خود محصول اتحاد و همدلی است. امام علی(ع) در خطبه سی و پنج، عدم اطاعت از رهبر را سبب پشیمانی و حسرت می‌داند؛ و در مورد نافرمانی و سرپیچی مردم روزگار خود بارها شکوه می‌کند: «وَ إِنِّي وَ اللَّهِ لَأَظُنُّ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ سَيَدَاؤُنْ مِنْكُمْ بِاجْتِمَاعِهِمْ عَلَيَّ بِاطْلِهِمْ، وَ تَفَرُّقِكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ...» (خطبه/۲۵). سبب اندوه امام(ع) این است که اصحاب حضرت(ع) با وجود این که در مسیر حق قدم برمی‌دارند لشگری متفرق و از ایشان پیروی نمی‌کنند؛ اما بر عکس سپاه معاویه در پیمودن مسیر باطل با هم متحد هستند.

این سرپیچی را چنین آینده‌نگری می‌کند: «إِنَّهُ سَيَظْهَرُ عَلَيْكُمْ بَعْدِي رَجُلٌ رَحْبُ الْبُلْعُومِ، مُنْدِحِقُ الْبُطْنِ يَأْكُلُ مَا يَجِدُ وَ يَطْلُبُ مَا لَا يَجِدُ، فَافْتُلُوهُ وَ لَنْ تَقْتُلُوهُ» (خطبه/۵۷) «آگاه باشید پس از من مردی با گلوی گشاده و شکمی بزرگ بر شما مسلط خواهد شد، که هر چه بیابد می‌خورد و تلاش می‌کند آن‌چه ندارد به دست آورد

او را بکشید ولی هرگز نمی‌توانید او را بکشید» (دشتی، همان: ۷۶). «منظور امام(ع) معاویه است زیرا او به پرخوری و شیفتگی به خوراک موصوف است» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۳۱: ۵۴/۴).

نکته‌ای که از این کلام می‌توان استنباط کرد این است که عدم اطاعت از رهبر باعث می‌شود جامعه به سمت سستی و بی‌کفایتی سوق پیدا کند و این منجر به تسلط فاسقان و ناهلان بر جامعه خواهد شد مسلم است که وقتی جامعه‌ای لیاقت رهبری حضرت علی (علیه‌السلام) را نداشته باشد گرفتار شخصی چون معاویه می‌شوند. البته این قانون الهی است ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ﴾ (رعد/۱۱)؛ به درستی که خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر این که آن قوم خود تغییر دهند.

۲-۲-۸. انصاف و مهربانی با مردم

انصاف و مهربانی مسئولان و حاکمان با مردم، مایه دل‌گرمی ملت و کمرنگ شدن مشکلات آنان است. بدون شک، این امر، پشتوانه محکمی برای ثبات نظام است و موجب ناامید شدن دشمن در ایجاد فاصله میان مردم و مسئولان می‌شود. امام علی(ع) نیز در نامه‌های فراوان خویش به مسئولان و والیان مناطق گوناگون، آنان را همواره به مهرورزی، محبت و انصاف با مردم سفارش می‌فرمود. امام در نامه پنجاه و سه خطاب به مالک اشتر هنگامی که او را به فرمانروایی مصر برگزید، این چنین نوشت: «هوای نفس را در اختیار گیر و از آن چه حلال نیست خویشتن داری کن، زیرا بخل ورزیدن به نفس خویش، آن است که در آن‌چه دوست دارد، یا برای او ناخوشایند است، راه انصاف پیمایی. مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبدا هرگز، چنان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند» (دشتی، همان: ۴۰۴). در این نامه امام (ع) مالک را به احسان امر می‌کند و می‌فرماید مردم یا برادر دینی تو هستند یا نظیر تو در آفرینش هستند با توجه به آیه: ﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾ (مائده/۳۲)؛ در این آیه مؤمن مراد نیست بلکه ناس موردنظر است. پس برای دوام حکومت مسلمان و غیر مسلمان باید در دید والی یکسان باشند. وقتی که حضرت(ع) در مورد غیر مسلمان چنین سفارش می‌کند به طریق اولی تأکید ایشان نسبت به مؤمن شدیدتر است چون «حرمت مؤمنان، همانند حرمت خانه خداست» (صدوق، ۱۳۶۲: ۲۷)؛ و «هر کس به آنان اهانتی کند، گویی با خدا جنگ می‌کند» (کوفی‌اهوازی، ۱۴۰۴: ۳۲/۱). به همین دلیل «خداوند در روز قیامت در مقابل همگان آبرویش را می‌ریزد» (برقی، ۱۳۷۱: ۹۷/۱). و باید باور داشته باشد خداوند چنان مؤمن را ارج می‌نهد که «اگر کسی مؤمنی را زیارت کند، گویی خدا را زیارت کرده‌است» (شهیدثانی، ۱۳۷۶: ۹۳). اگر کسی چنین دیدی به مؤمنان و مسلمانان و انسان‌ها داشته‌باشد، آیا ممکن است به آنان بی‌اعتنایی توهین و خیانتی کند؟

۲-۳. مهم ترین عوامل پیشرفت ملت‌ها در بعد برون دینی

یکی از این جنبه‌ها پیشرفت، بعد برون دینی است که خود ناظر بر اهمیت و اثراتی است که دینداری یا فقدان آن داشته‌است. این جنبه‌ها در تحلیل‌های جامعه‌شناختی بسیار مورد استناد قرار می‌گیرد. بر این اساس مهم‌ترین عوامل پیشرفت ملت‌ها در بعد برون دینی در نهج البلاغه به شرح زیر است.

۲-۳-۱. اجرای عدالت اجتماعی

ضروری‌ترین نیاز جامعه که بدون آن، حکومت و مردم ارتباط صحیحی نخواهند داشت و فاصله و شکاف بین آن‌ها ایجاد می‌شود ایجاد عدالت در جامعه است. قسط در قرآن به معنی عدل و قیام به قسط به معنی عمل به قسط و حفظ آن است و این صفت زود اثر پذیرترین عوامل و کامل‌ترین اسباب برای پیروی حق و حفظ آن از پایمال شدن است (طباطبایی، ۱۳۶۷: ۱۷۵/۵). امام (ع) در تعریف عدل فرمودند: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا» (حکمت/۴۳۷).

۲-۳-۲. عمومیت علم و آگاهی میان افراد جامعه

اگر علم و آگاهی به‌عنوان یک حقیقت در میان افراد جامعه در جریان باشد آسیب‌پذیری در مقابل حوادث کم‌تر است. همچنان که هدف امام حسین از قیام از بین بردن جهالت و جایگزین کردن علم و آگاهی بود. امام علی (ع) آگاهی و بصیرت، را لازمه جنگ با دشمن می‌داند: «فُتِحَ بَابُ الْحَرْبِ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْقِبْلَةِ، وَ لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ وَ الصَّبْرِ وَ الْعِلْمُ بِمَوَاضِعِ الْحَقِّ» (خطبه/۱۷۳). «مردم! هم اکنون آتش جنگ بین شما و اهل قبله شعله‌ور شده‌است و این پرچم مبارزه را جز افراد آگاه و با استقامت و عالم به جایگاه حق به دوش نمی‌کشند» (دشتی، همان: ۲۳۲). در آن زمان مسلمانان جنگ با اهل قبله یعنی نبرد با یکدیگر را گناهی بزرگ و مهم می‌شمردند و با ترس و بیم در این امر شرکت می‌کردند، از این رو امام (ع) فرموده است که پرچم قیام علیه متجاوزان اهل اسلام را جز آنانی که بر شمرده کسی نمی‌تواند به دوش کشد (بحرانی، ۱۳۶۲: ۳۴۲/۳). «واژه علم (پرچم) در خطبه به که فتح لام روایت شده‌است به معنی علامت و نشانه است» (قرشی بنایی، ۱۳۷۷: ۷۴۷/۲). زیرا در جنگ، پرچم‌دار، به منزله مدار و محور است و دل‌های رزمندگان به آن بسته است، لذا لازم است کسی که، رأیت این کار را بر عهده دارد به صفاتی که ذکر فرموده آراسته باشد تا بتواند هر کاری را در جایگاه خود انجام دهد.

۲-۳-۳. تعاون و همکاری در جامعه

تعاون و همکاری می‌تواند در جهت رشد و شکوفایی جامعه، نقش به‌سزایی داشته‌باشد. با گسترش فرهنگ تعاون، وحدت و یکدلی در جامعه حاکم و ابتکار و خلاقیت پدیدار می‌شود و جامعه از آسیب دشمنان مصون می‌ماند.

امام علی (ع) درخواست همکاری برای برپا کردن حق را نشانه دیانت و امانت [داری] می‌داند: «وَ لَكِنْ طَلَبُ التَّعَاوُنِ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ دِيَانَةٌ وَ أَمَانَةٌ» (لیثی واسطی، ۱۳۸۷: ۳۱۹/۱)؛ و ایشان از تعاون در نافرمانی خداوند منع می‌کند: «أَلَا إِنَّ الدُّلَّ فِي طَاعَةِ اللَّهِ أَقْرَبُ إِلَى الْعِزِّ مِنَ التَّعَاوُنِ بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ» (شوشتری، ۱۳۷۶: ۱۶۵/۴). آگاه باشید که خواری در راه اطاعت خدا به عزت نزدیک‌تر است از یاری کردن یکدیگر برای نافرمانی

حق. حضرت امیر(ع) در حدیثی دیگر می‌فرمایند: «از جدایی و تفرقه بر حذر باشید و بر نیکی و تقوی با هم تعاون و همکاری کنید، اما در گناه و تعدی و تجاوز، هرگز» (شیخ صدوق، ۱۴۰۴: ۱۹۱/۴). در این حدیث ایشان علاوه بر این که از تفرقه منع می‌کند بستر واقعی همکاری و همیاری یعنی نیکی و تقوی را نیز بیان می‌فرماید و در ضمن محدوده ممنوعه آن، یعنی همکاری در گناه و فساد را نیز مشخص می‌کند یعنی اگر هدف یاری رساندن به مردم و نیکی کردن است، اتحاد ضروری است ولی اگر اتحاد باعث پایمال کردن حقوق مردم می‌شود تعاون و همکاری هرگز.

۲-۳-۴. برقراری امنیت^۱

از عوامل دوام دولت‌ها حفظ آرامش و برقراری امنیت در جامعه است؛ زیرا در سایه امنیت، زندگی مردم از آرامش و نشاط برخوردار می‌شود و بسیاری از معضلات و کمبودها از میان می‌رود. جان، مال، ناموس و آبرو افراد تنها در سایه امنیت محفوظ می‌شود امام صادق(ع) می‌فرماید سه چیز است که همه مردم به آن‌ها نیاز دارند: «امنیت، عدالت و آسایش» (شعبه الحرائی، ۱۴۲۳: ۲۳۳). حضرت علی(ع) در نامه خود به مالک اشتر «و لَا تَدْفَعَنَّ صَلْحًا دَعَاكَ إِلَيْهِ عَدُوُّكَ وَ لِلَّهِ فِيهِ رِضًا، فَإِنَّ فِي الصُّلْحِ دَعَاً لِيُجُودَكَ، وَ رَاحَةً مِنْ هُمُومِكَ وَ أَفْنَاً لِيَأْدِكَ» برقراری امنیت شهرها را در سایه صلح و آن را نیاز مهم جامعه و از وظایف حکومت معرفی می‌کند (نامه ۵۳)؛ زیرا زندگی آسوده در امنیت است «رفاهیه العیش فالأمن» (خوانساری، ۱۳۶۶: ۱۰۰، ۵۴۳/۴). بدترین مکان جایی است که ساکنانش در آن امنیت نداشته باشند «شَرُّ الْأَوْطَانِ مَا لَمْ يَأْمَنْ فِيهِ الْقَطَّانُ» (همان، ح ۵۷۱۲: ۱۷۱).

۲-۳-۵. تأمین رفاه عمومی

می‌توان رفاه و آبادانی جامعه را از اهداف اولیه حکومت اسلامی شمرده و بی‌توجهی به آن را عامل نابودی حکومت‌ها دانست. امیرمؤمنان علی(ع) در نامه به مالک اشتر، با برشمردن قشرهای گوناگون جامعه اعم از نظامیان، کارگزاران، بازرگانان، صاحبان صنعت، پیشه‌وران و... بر تأمین رفاه برای همه این گروه‌ها تأکید می‌کند؛ در این عبارت «فَإِنَّ النَّاسَ صِنْفَانِ: إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَ إِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ» حتی تأمین رفاه و آسایش غیرمسلمانان را که متعهد به پرداخت جزیه هستند، از او می‌خواهد (نامه ۵۳). «نَظَرْتُ إِلَى كُلِّ مَا يُدُلُّ الْعَزِيزَ وَ يَكْسِرُهُ، فَلَمْ أَرْ شَيْئًا أَذَلَّ لَهُ وَ لَا أَكْسَرَ مِنَ الْفَاقَةِ» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ۱۶۱۵۸: ۱۸۱/۹) نگرینم به هر چه که عزیز را خوار و سرشکسته می‌کند؛ هیچ چیز را برای خوار ساختن و سرشکسته کردن وی بدتر از فقر ندیدم؛ و در جایی دیگر از آن به‌عنوان مرگ بزرگ یاد می‌کند: «الفقر الموت الاکبر» (میرجهانی طباطبایی، ۱۳۴۶: ۲۳۸/۱). در بینش حضرت علی(ع)، سیری و پرخوری دسته‌ای و گرسنگی و فقر گروهی، دلیلی بر حرکت ظالمانه در نظام اقتصادی جامعه است و تأمین رفاه در زندگی و معیشت مردم به‌دلیل عدالت، خودرزم بقا و ثبات است و زمامداری که در فکر آسایش زندگی مردم باشند، ممدوح حضرت امیر(ع) هستند: «أَحْسَنُ الْمُلُوكِ حَالًا مَنْ حَسَنَ عَيْشَ النَّاسِ فِي عَيْشِهِ وَ عَمَّ رَعِيَّتَهُ بَعْدَلَهُ» (تمیمی

1. security

آمدی، همان، ح ۷۷۸۴: ۲۴۳). بهترین زمامداران کسانی هستند که زندگی مردم در دوران حکومتشان خوب و عدالتشان بر مردم فراگیر باشد.

۲-۳-۶. عبرت گرفتن از انقراض امت‌های پیشین

البته نفس عبرت نگرفتن عامل سقوط نیست بلکه در وادی سقوط قرار گرفتن است زیرا بی‌توجه بودن به عامل نابودی دیگران و صدای زنگ خطر را نشنیدن، باعث می‌شود تا همان مسیری را طی کنیم که دیگران در همان مسیر قرار گرفتن و نابودی شدند. اگر هر ملتیا مطالعه تاریخ به بررسی علل پیشرفت و انحطاط امت‌های گذشته بپردازد می‌تواند، خود را با استفاده از تجربه‌های گذشتگان حفظ نماید زیرا پندها و عبرت‌های گذشتگان بدهنده، ناصحی هستند. امام علی(ع) به مالک سفارش می‌کند که گذشتگان را ملاک کار خویش قرار دهد (نامه/۵۳). امام علی(ع) هنگامی که به امت‌های گذشته می‌پردازد، جامعه خود را از وضعیت آنان بر حذر می‌دارد و مردم را به نقاط قوت و ضعف پیشینیان توجه می‌دهد. وظیفه‌ای که باید رهبران سیاسی جامعه‌ها به آن توجه کنند و امت‌های خود را به این نقاط قوت و ضعف یا امثال آن‌ها آگاه نمایند.

۲-۳-۷. توجه به خواست مردم

از دیدگاه امیرمؤمنان(ع) از مسائل ضروری و اولویت‌دار برای ادامه حکومت سیاستمداران جامعه توجه به خواست مردم است؛ بنابراین برداشتن هزینه‌های سنگین زندگی از دوش مردم و وادار نکردن آنان به کاری که از عهده آن بر نمی‌آیند، از جمله مواردی هستند که نقش اساسی در حفظ نظام دارند. روش حضرت علی(ع) این بود که مردم را به کاری که باعث اکراه و ناخوشی آنان بود و نمی‌داشت: «لَيْسَ لِي أَنْ أُحْمِلَكُمْ عَلَى مَا تَكْرَهُونَ» (خطبه/۲۰۸). ابن ابی‌الحدید می‌گوید: «منظور امام(ع) اصلاح آنان با شمشیر است. کاری که حجاج بن یوسف کرد و به لشکری که آماده نشده بود گفت تا سه می‌شمارم هر کس بعد از آن به مهلب نپیوندد خونس مباح است و بعد از اینکه چند نفر مثل عمیر بن ضابیء و... کشته شدند همه به طرف مهلب حرکت کردند» (ابن‌ابی‌الحدید، همان، ۱۸۲/۴). امیرالمؤمنین(ع) خون یارانش را مانند حکام دیگر برای حکومت و انتقام دولت و دنیای خود نمی‌ریخت تا دین خود را فاسد نکند.

۲-۴. سنخ‌بندی اجتماعی، موانع توسعه ملت‌ها

در نهج‌البلاغه به لحاظ جامعه‌شناختی، مواردی یافت می‌شود که می‌تواند به‌عنوان موانع توسعه عمل کند که به شرح نمونه‌هایی از آن می‌پردازیم:

۲-۴-۱. ظلم

ظلم عامل اصلی به هلاکت رسیدن جوامع است و این «یکی از سنت‌های (قوانین) الهی است که تغییر و تبدیلی در آن راه ندارد» (محمدی، ۱۳۸۶: ۷). ظلم و بی‌عدالتی زمامداران یکی از عوامل مهم عدم توسعه ملت‌ها از منظر نهج‌البلاغه شمرده شده‌است. امیرمؤمنان زمانی که زیاد بن ابیه را به جای عبدالله بن عباس کارگزار فارس قرار داد، در ضمن سخنرانی مفصل او را از گرفتن خراج اضافی منع کرد و فرمود:

«اَسْتَعْمِلِ الْعَدْلَ وَ احْذِرِ الْعُسْفَ وَ الْخَيْفَ فَإِنَّ الْعُسْفَ يَعُوذُ بِالْجَلَاءِ وَ الْخَيْفَ يَدْعُو إِلَى السَّيْفِ» (حکمت/۴۷۶)

«عدالت را بگستران، و از ستمکاری پرهیز کن، که ستم رعیت را به آوارگی کشاند، و بیدادگری به مبارزه و شمشیر می‌انجامد» (دشتی، همان: ۷۴۳). زیرا در هر جامعه‌ای که ظلم و ستم رواج پیدا کند مردم و افراد جامعه نسبت به رهبران و حاکمان خود بدبین شده و برای پایمال نشدن حقوق خود، علیه آن‌ها قیام نموده و در صدد نابودی ظالمان بر خواهند آمد (میرزا آقا نسب گرد رودباری و تقوی، ۱۳۹۳: ۳۴). از طرف دیگر خداوند متعال نیز در آیات مختلف به هلاکت جامعه‌هایی که در آن ظلم رواج دارد وعده داده‌است.

۲-۴-۲. بی‌میلی به توسعه و مصرف‌گرایی

از دیگر عوامل انحطاط جوامع اسراف و تبذیر است، اسراف و تبذیر در جامعه، پیامدهای ناگوار اقتصادی و اجتماعی را به دنبال داشته و عامل انحطاط جامعه خواهد بود. در حدیثی از امام علی(ع) آمده‌است که «الْقَصْدُ مَثْرَاءٌ وَ السَّرْفُ مَثْوَاءٌ» (جرعاملی، ۱۴۱۶: ۲۵۸/۱۵) اقتصاد و میانه‌روی موجب ثروتمندی و اسراف موجب سقوط و فقر می‌گردد.

۲-۴-۳. دنیاطلبی، فقر و فساد

مواردی از جمله، دنیاطلبی، تبعیت نفس، سستی و فساد، فقر، بدعت و نفاق، غفلت از معاد و سازندگی تربیتی، دست‌اندازی به بیت‌المال، احتکار، عدم برخورد قاطع با متخلفان اقتصادی، استبداد حکومتی، رواج ظلم و ستم، وجود تبعیض و بی‌عدالتی در حوزه‌های مختلف جامعه، اسباب نارضایتی مردمان و اضمحلال دولت‌های اسلامی را در پی خواهد داشت (نوربخش، ۱۳۸۶: ۱۷۸). حضرت علی(ع) در بیان علل سقوط جوامع به عواملی اشاره می‌کنند که از جمله آن موارد جمع‌آوری ثروت و دنیاطلبی است زیرا جمع‌آوری ثروت در دست افرادی خاص زمینه را برای فقر و فساد فراهم می‌کند. ایشان در این باره می‌فرمایند: «فَإِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ أَنَّهُمْ مَنَعُوا النَّاسَ الْحَقَّ فَاشْتَرَوْهُ وَ أَخَذُوهُمْ بِالْبَاطِلِ فَاقْتَدَوْهُ» (نامه/۷۹). «همانا ملت‌های پیش از شما به هلاکت رسیدند، بدان جهت که حق مردم را نپرداختند، پس دنیا را با رشوه دادن به دست آوردند، و مردم را به راه باطل بردند و آنان اطاعت کردند» (دشتی، همان: ۶۲۱).

۲-۴-۴. غرور و خودپسندی

گردنکشی، غرور، عجب، تکبر، خودخواهی و خودپسندی به نوعی در یک سنخ قرار می‌گیرند. اینها رذایلی هستند که ریشه در نفس پرستی و تبعیت از بعد حیوانی وجود انسان دارد حضرت علی(ع) ضمن اشاره به آن به‌عنوان یکی دیگر از عوامل سقوط می‌فرماید: «فَاللَّهُ اللَّهُ فِي كِبَرِ الْحَمِيَّةِ وَ فَخْرِ الْجَاهِلِيَّةِ! فَإِنَّهُ مَلَأَ قُحُ الشُّنَّانِ، وَ مَنَافِعُ الشَّيْطَانِ، الَّتِي خَدَعَ بِهَا الْأُمَّمَ الْمَاضِيَةَ وَ الْقُرُونَ الْخَالِيَةَ» (خطبه/۱۹۳). خدا را! خدا را! از کبر تعصب‌آمیز و تفاخر جاهلی، که آن مرکز پرورش کینه و جایگاه وسوسه‌های شیطان است که ملت‌های پیشین و امت‌های قرون گذشته را فریفته‌است.

۲-۴-۵. فقدان رفاه اجتماعی

رفاه، نشانه رشد یک ملت نیست و از عواملی به شمار می‌آید که لازمه بقا و نه بیانگر اعتلای یک ملت است. از اجزای جدایی‌ناپذیر رفاه و عدالت اجتماعی، آبادانی و توسعه است؛ به عبارتی عمارت و آبادانی

شهرها (که امروزه آن را توسعه و رشد می‌نامند) فضیلتی برای قدرت حاکم است «فضیلة السُّلطانِ عِمارَةُ الْبُلدانِ» (محمدری شهری و همکاران، ۱۴۲۱: ۴۲۹/۲).

۲-۴-۶. هرج و مرج اجتماعی

ضعف حکومت مرکزی، فساد درباریان و کارگزاران حکومتی، تنش‌های ملی-مذهبی، افزایش قدرت‌های محلی، شورش بر ضد حکومت مرکزی، اوضاع آشفته اقتصادی، فقر و تنگ‌دستی میلیون‌ها انسان و ورود استعمارگران، شیوه حکومت استبدادی، ظلم و ستم به مردم، فشار اقتصادی و عدم تسامح مذهبی زمینه فروپاشی و نابودی یک ملت را مهیا می‌کند (جهانپیان، ۱۳۹۳) از دیدگاه امام علی(ع) انحطاط یک جامعه ریشه در سقوط هنجارهای اخلاقی و هرج و مرج در آن جامعه است. زیرا اگر ناهنجاری‌های اجتماع به صورت سنت‌های ناپسند در آیند، جامعه را از هم پاشیده و آن را به ورطه هلاکت می‌افکنند از این روی، امام علی(ع) به مالک اشتر توصیه می‌کنند که «لَا تَنْقُضْ سُنَّةَ صَالِحَةٍ عَمِلَ بِهَا صُدُورُ هَذِهِ الْأُمَّةِ...» (نامه/۵۳). آداب پسندیده‌ای را که بزرگان این امت به آن عمل کردند، و ملت اسلام با آن پیوند خورده، و رعیت با آن اصلاح شدند، را بر هم مزند، و آدابی که به سنت‌های خوب گذشته زیان وارد می‌کند، پدید نیآور.

۴-۲-۷. نارسایی کارکردی حکومت

«تعارضات و کشاکش‌های قومی-مذهبی و روحیه فرقه‌گرایی و حس رقابت به حسن اداره امور کشور، موجبات ناکامی و سقوط صفویان را در برابر هجوم افغان‌ها فراهم نمود» (جودکی، ۱۳۸۷: ۸). امام(ع) علت شورش علیه عثمان را در خطبه ۱۶۴ شیوه نادرست حکومت وی می‌داند که زمینه نارضایتی عمومی را فراهم ساخت و سرانجام در یک شورش عمومی به قتل رسید.

۲-۴-۸. تقلید کورکورانه

جهل و نادانی در جامعه و همچنین تقلید و پیروی کورکورانه از دیگران، راه پیشرفت فرهنگی جامعه را می‌بندد و هر جا راه علم و دانش بسته شد آن جامعه در ورطه انحطاط گرفتار خواهد شد (میرزا آقا نسب گرد رودباری و تقوی، همان: ۸). امیرمؤمنان(ع)، جهل را به عنوان یکی از عوامل عمده سقوط انسان تلقی کرده است: «لَا تَرْكُنُوا إِلَىٰ جَهَالَتِكُمْ وَ لَا تَنْقَادُوا إِلَىٰ أَهْوَانِكُمْ فَإِنَّ النَّارَ لَبَهْدَا الْمَنْزِلَ نَارٌ بِشَفَا جُرْفِ هَارٍ» (خطبه/۱۰۵) بر جهل خویش تکیه نکنید و بر یوغ هوس‌هایتان گردن منهدید که هر که چنین کند، در لبه پرتگاهی سست پی، جای گرفته است.

نتیجه‌گیری

همه جوامع به توسعه می‌اندیشند و سعی می‌کنند با شناسایی زمینه‌های آن، از این قافله عقب نیفتند. یکی از مبانی مهم توسعه، توجه به مبانی دینی و معرفتی آن جامعه است در این راستا شناسایی زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی آن در کلام مولی امیرالمؤمنین علی(ع) که از پیوند آسمانی هم برخوردار است، ارزشمند و می‌تواند بسیار مفید باشد. مطالعه تاریخ جوامع از نگاه قرآن و نهج البلاغه می‌تواند راه توسعه و

سعادت را برای جوامع امروزی نشان‌دهند. در نتیجه تاریخ ملل و سقوط و توسعه آن‌ها، مایه هوشیاری، بیداری و عبرت برای نسل کنونی است. از سویی دیگر رعایت آن‌ها نیز وسیله‌ای برای پیشرفت و توسعه جامعه محسوب می‌شود. نهج‌البلاغه از منظر جامعه‌شناختی - تاریخی به پیش‌بینی سرانجام توسعه جوامع یعنی موفقیت و سقوط ملت‌ها پرداخته‌است که به این نتایج می‌توان اشاره کرد:

۱- از دیدگاه امام علی(ع) مهم‌ترین عوامل توسعه ملت‌ها در بعد درون دینی: قرآن محوری، پایبندی به اصول و ارزش‌ها، جهاد در راه خدا، امر به معروف و نهی از منکر، اتحاد و انسجام، اطاعت از رهبر صالح و انصاف و مهربانی با مردم است.

۲- براساس دیدگاه امام علی(ع) مهم‌ترین عوامل توسعه ملت‌ها در بعد برون دینی: اجرای عدالت اجتماعی، تعاون و همکاری در جامعه، برقراری امنیت، تأمین رفاه عمومی، عبرت از انقراض حکومت‌های پیشین و توجه به خواست و اراده مردم است. به‌عنوان نمونه امام علی(ع) در خطبه ۱۹۲ علل توسعه و تعالی جامعه را در گرایش به اخلاق پسندیده، افعال نیکو، بردباری به هنگام خشم، کردار زیبا و درست، تعصب در حمایت از همسایگان و پناهندگان، وفاداری در عهد و پیمان، اطاعت کردن از نیکی‌ها، سربیزی از تکبر و غرور، تلاش در جود و بخشش، خودداری از ستمکاری، بزرگ شمردن خونریزی، انصاف داشتن با مردم، فروبردن خشم و پرهیز از فساد در زمین دانسته است.

۳- طبق گفتار حضرت علی(ع) در سنخ‌بندی اجتماعی، اساسی‌ترین موانع توسعه ملت‌ها: ظلم، بی‌میلی به توسعه و مصرف‌گرایی، هرج و مرج اجتماعی، دنیاطلبی، فقر و فساد، غرور و خودپسندی و فقدان رفاه اجتماعی است. امیرالمؤمنین(ع) همچنین در خطبه ۱۹۱ دنیاپرستی، خودپسندی سران جاهلیت، ستم‌کشی، بغض و کینه و جهالت و در نامه ۷۹، رشوه‌گری و خوردن حق مردم و گرایش به باطل و در حکمت ۲۸۳ پرتلاشی جاهلان و تن‌پروری و کوتاهی آگاهان را از زمینه‌ساز سقوط جامعه می‌داند. از لحاظ دینی، پدیده امروزی تاریخ، در حقیقت همان جامعه دیروز است، هم چنان‌که رویدادهای امروز، تاریخ فردا را می‌سازند و این انسان است که در هر حکومت و جامعه‌ای از ابتدایی‌ترین تا پیشرفته‌ترین جامعه بشری، دانسته یا نادانسته، حوادث مطلوب و نامطلوب، رخ‌دادهای افتخارآفرین یا شرم‌آور را به‌عنوان عبرت از خود بر جای می‌گذارد.

منابع

- قرآن مجید.
- ابن‌ابی‌الحدید، عزالدین ابوحامد. (۱۳۳۱). شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدید. مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم. قم: کتابخانه عمومی آیه الله مرعشی نجفی.
- ازکیا، غلامرضا. (۱۳۸۴). **جامعه‌شناسی توسعه**. تهران: کیهان.
- بابایی، نعمت‌الله. (۱۳۸۲). «سیاست اجتماعی و سلامت». **فصلنامه رفاه اجتماعی**. شماره ۱۰، ۲۰۱-۲۳۲.
- بحرانی، میثم بن علی بن میثم. (۱۳۶۲). شرح نهج البلاغه. نشر کتاب.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۷۱). المحاسن. قم: دارالکتب الإسلامیه.
- تیممی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (بی‌تا). **غرر الحکم و درر الحکم**. مصحح: محمد رحایی، قم: دارالکتاب الاسلامی.
- جهانیان، ناصر. (۱۳۹۳). «باید و نبایدهایی که برای طلوع و تلالؤ اقتصاد مقاومتی اجتناب‌ناپذیر است». **فصلنامه علوم انسانی صدرا**. ویژه‌نامه اقتصاد مقاومت. ۲۸۳-۲۷۹.
- جودکی، محمدعلی. (۱۳۸۷). **آسیب‌شناسی اجتماعی جامعه ایران در عصر صفوی و تاثیر آنها بر سقوط حکومت صفوی**. استاد راهنما هوشنگ جباری. دانشگاه شهید چمران اهواز.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. محقق: محمد رضا حسینی جلالی، قم: موسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.
- حلیمی جلودار، حبیب‌الله. (۱۳۹۲). «آسیب‌های سیاسی و اجتماعی در نهج‌البلاغه» **فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه**، سال اول، شماره ۱: ۹-۲.
- خنیفر، حسین و زروندی، نفیسه. (۱۳۸۹). **بازکاوی مفهوم اعتماد در سازمان**. تهران: نشر بعثت.
- خوانساری، جمال‌الدین محمد. (۱۳۶۶). **شرح غرر الحکم و درر الحکم (خوانساری)**، مصصح: سید میرجلال‌الدین حسینی ارموی محدث. تهران: دانشگاه تهران.
- دشتی، محمد. (۱۳۹۰). **ترجمه نهج‌البلاغه حضرت امیر المومنین (ع)**. تهران: پیام عدالت.
- زاهدی، محمدجواد. (۱۳۹۰). **توسعه و نابرابری**. تهران: مازیار.
- سو، آلوین. (۱۳۹۲). **تغییرات اجتماعی و توسعه**. ترجمه: محمود حبیبی مظاهری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شعبه الحرائی، ابو محمد الحسن بن علی. (۱۴۲۳). **تحف العقول عن آل الرسول**. قدم له و علق علیه: الشیخ حسین الاعلمی موسسه الاعلمی للمطبوعات: بیروت- لبنان.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی. (۱۳۷۶). **کشف الریبه عن احکام الغیبه**. تهران: مرتضوی.
- شوشتری، محمد تقی. (۱۳۷۶). **بهج الصباغة فی شرح نهج البلاغة**. تهران: امیرکبیر.
- شیخ صدوق. (۱۳۶۲). الخصال. قم: جامعه مدرسین.
- شیخ صدوق. (۱۴۰۴). **من لا یحضره الفقیه**. قم: جامعه مدرسین.

- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۶۷). **تفسیر المیزان**. ترجمه: محمدجواد حجتی کرمانی. قم: نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
- غفاری، غلامرضا؛ ابراهیمی لویه، عادل. (۱۳۹۱). **تغییرات اجتماعی**. تهران: دانشگاه پیام نور.
- قرشی‌بنایی، سیدعلی‌اکبر. (۱۳۷۷). **مفردات نهج البلاغه**. مترجم: محمدحسن بکائی. تهران: موسسه فرهنگی نشر قبله.
- کوفی اهوازی، حسین‌بن‌سعید. (۱۴۰۴). **المؤمن**. قم: مؤسسه الإمام المهدي (علیه السلام).
- لیثی واسطی، علی‌بن‌محمد. (۱۳۸۷). **عیون الحکم و المواعظ**. تهران: موسسه البعثة.
- متقی، علی‌بن‌حسام‌الدین. (۱۴۱۹). **کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال**. محقق: محمود عمر دمیاطی، بیروت - لبنان: دار الکتب العلمیه.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۶). **میزان الحکمة**. حمیدرضا شیخی. قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
- محمدی ری شهری، محمد؛ طباطبائی، محمدکاظم و طباطبائی، محمود. (۱۴۲۱). **موسوعة الامام علی بن ابی طالب علیه السلام فی الكتاب والسنة و التاريخ**. قم: دارالحدیث للطباعة و النشر.
- میرجهانی طباطبایی، سید حسن. (۱۳۴۶). **مصباح‌البلاغه فی مشکاة الصیاعة**. ناشر: حسن میرجهانی طباطبایی (مؤلف).
- میرزا آقا نسب‌گرد رودباری، ایمان و تقوی، مهدی. (۱۳۹۳). «سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب». **فصلنامه اقتصاد کاربردی**. دوره ۴، ۱۴-۱.
- نوربخش، یونس. (۱۳۸۶). «تحلیل جامعه‌شناختی از رابطه دین و فرهنگ با اقتصاد با تأکید بر اسلام». **فصلنامه اقتصاد اسلامی**. دوره هفتم، شماره ۲۸، ۱۶۵-۱۹۲.
- Brimo, A. (1972). **Les Methods des Sciences Sociales**. Paris: edition. Montchrestiens.